



انترناسیونال

۲۱۸

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۵ آبان ۱۳۸۶، ۱۶ نوامبر ۲۰۰۷

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدیر: محسن ابراهیمی

آزادی، برابری، هویت انسانی!

تظاهرات دانشجویان اصفهان برای آزادی زندانیان سیاسی



برای دیدن عکس های بیشتر و فیلم
این تظاهرات به سایت سجک نیوز
رجوع کنید:
[http://
sjknews.blogspot.com/](http://sjknews.blogspot.com/)
روز دوشنبه ۲۱ آبان حدود ۲۰۰ نفر
از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه

صفحه ۵



اساس انقلاب سوسیالیستی

رهائی انسان است



حمید تقوایی

اشاره: مصاحبه ذیل، مدتی پیش در تلویزیون انترناسیونال توسط شهلا دانشفر با حمید تقوایی انجام شده است. حمید تقوایی در این مصاحبه از ملزومات سوسیالیسم در شرایط انقلابی و انحرافات موجود در آن که چه بسا از جانب گروه های چپ و رادیکال نیز تبلیغ و ترویج میشود، سخن بمیان آورده است. بنظر من طرح چنین مباحثی در شرایط تاریخی کنونی و در این مقطع سرنوشت ساز که جامعه در گیر و دار مبارزات هر روزه مردم و کارگران آبدیده میشود، نه تنها خالی از فایده نخواهد بود بلکه حتی میتوان گفت روند مبارزاتی امروز بشدت نیازمند اینچنین بحث ها و ارایه راهکارها ست. این مصاحبه از نظر من از چنان اهمیتی برخوردار است که نام آنرا "بیانیه انقلاب سوسیالیستی" گذارده ام. با هم متن پیاده شده این مصاحبه رامیخوانیم:

هادی وقفی

۱۲۰۰۰ کارگر کشت و صنعت کارون اعتصاب نا محدودی را آغاز کردند

دفتر مرکزی شرکت تجمع کردند. در این اعتصاب تمام کارگران بخش

صفحه ۵

کارون شوشتر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد شهریور و مهر دست از کار کشیدند و در مقابل

بنا به خبر رسیده به حزب کمونیست کارگری، روز یکشنبه ۲۰ آبان ماه، کارگران شیفت صبح کشت و صنعت

تئوری جنگ و جایگاه جنبشهای انقلابی در مقابله با جنگ

بررسی سیاست و جایگاه اپوزیسیون رژیم اسلامی
در قبال جنگ احتمالی ایران و آمریکا



محمد اسنگران

از قدیم گفته اند که جنگ ادامه با هر گرایشی، ظاهراً این سطح کلی سیاست در شکل دیگری است. این تئوری را قبول دارند. مشکل حکم درست همچنان سر جای خود باقی است. اما همه جریانات سیاسی

صفحه ۴

گامی جدید، تاکیدی مجدد، تجربه ای جالب، شیوه ای فرسایشی

چند نکته در حاشیه چند حرکت اعتراضی کارگری



شهلا دانشفر

کارگران نیشکر هفت تپه، بطور واقعی مبارزه علیه دستمزدهای پرداخت نشده را که امروز در جنبش کارگری در ایران، ابعادی میلیونی

صفحه ۶

۱- گامی جدید در پایان دادن به معضل دستمزدهای پرداخت نشده
اعتصاب دوازده هزار کارگر کشت و صنعت کارون در کنار اعتراضات

صفحه ۲

شهلا دانشفر: وقتی می گوئیم انقلاب سوسیالیستی، مضمون این انقلاب و ویژگیهای آن چیست؟ تصویر شما از سوسیالیسم چیست؟

حمید تقوایی: انقلاب سوسیالیستی، انقلابی است بر سر حرمت و رهائی انسان. ما مدت هاست اعلام کرده ایم که اساس سوسیالیسم انسان است. البته آن سوسیالیسمی که ما می گوئیم، کمونیسم کارگری می گوید. می دانم تحت نام سوسیالیسم

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ اساس انقلاب سوسیالیستی ...

قدم هایی رو به جلو هستند و خواسته ها و مطالبات بر حقی را مطرح میکنند، ولی در نهایت این انقلاب ها علی العموم، انسان، منافع و خواسته های انسانی را محور قرار نمی دهند، بخشی از جامعه برای آنکه فرض کنید آزادیهای حقوقی یا دموکراسی بدست بیاورد یا عقب ماندگیهای فئودالی را عقب بزند، دست به انقلاب می زند و انقلابهایی که در این دوستان یا سیصد سال اخیر شاهد بوده ایم، البته بجز انقلاب اکتبر، انقلابهایی از این نوع بوده اند. وقتی ما از انقلاب سوسیالیستی صحبت می کنیم، یعنی انقلابی که میخواهد به تمام تاریخ تبعیض و نابرابری که اساس وجود طبقات در جامعه است، پایان دهد و بقول مارکس میخواهد ماقبل تاریخ بشریت را تمام کند و وارد "تاریخ انسانی" شود، تاریخ انسانی جامعه بشری. در واقع انقلابی برای اینکه انسان و انسانیت را محور جامعه، محور سیاست، اقتصاد و در کل محور اداره امور قرار دهد و هیچ چیز جز آنرا محور و معیار قرار ندهد. در حالیکه در جامعه سرمایه داری کلاً "سود" محور گردش چرخ اقتصاد و جامعه است و معیار، سودآوری است. در جامعه فئودالی نیز همینطور، منافع ملاکان و اشراف محور اداره جامعه بود. اما در جامعه سوسیالیستی رفاه، آزادی و برابری همه انسانها، مستقل از نژادشان، مذهب شان، جنسیت شان و ... محور قرار میگیرد و به این عنوان در یک جمله، ساده و روشن باید بگوییم که انقلاب سوسیالیستی انقلابی است بر سر رهایی انسان، هویت و حرمت او.

شهلا دانشفروز: برای چنین انقلابی، چطور شما میتوانید يك جامعه را به تحرك درآورید؟

حمید تقوائی: مبارزه در جامعه هست، وجود دارد. تا زمانی که بی حقوقی، فقر و انواع فشارها و تبعیضات هست، خوب، حول اینها جنبش شکل میگیرد، اگر جامعه همین امروز ایران را نگاه کنیم بروشنی می بینیم فرض کنید جنبش علیه حجاب اسلامی، جنبش علیه اعدام، جنبش کارگران برای آنکه تشکلهای مستقل خودشان را داشته باشند، علیه شوراها اسلامی، علیه زورگویی ها، علیه اینکه حقوقشان را نمی

همین جنبشهای واقعی، روزمره و جاری، با رادیکال شدن اینها، با متحد شدن اینها و با گام گذاشتن مستقیم اینها در عرصه سیاست و مبارزه علیه قدرت سیاسی است که انقلاب سوسیالیستی شکل میگیرد. مضمون اقتصادی انقلاب سوسیالیستی هم اینست که برای آنکه انقلاب سوسیالیستی بتواند انسانها را آزاد کند باید استثمار را براندازد، باید کار مزدی را لغو کند، باید مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و وسایل تولید را لغو کند. همین لغو کار مزدی و مالکیت خصوصی را، اگر بیاوریم در عرصه سیاست و اجتماع تعریف کنید، در واقع معنایش چیزی جز رهایی انسان نیست. لغو کار مزدی یعنی از بین بردن بیگانگی انسان. وقتی میگوییم کار مزدی نباشد، یعنی کار از صورت شغل، از صورت يك اجبار که برای تأمین معیشت کارگر مجبور است به روزی هشت ساعت - البته در ایران که بیش تر از آن و بصورت چند شیفت- تن بدهد، درآید و تبدیل شود به يك فعالیت شاد، مفرح و خلاق و بصورت چیزی از زندگی تعریف شود. کارگران شعار داده اند که ما زندگی نمیکنیم که کار کنیم، ما کار می کنیم که زندگی کنیم. اساس زندگی است. بنظر من باید فراتر از این رفت. کار باید چیزی از زندگی تعریف شود. کار باید فعالیت شاد، انسانی و خلاق شود که به چیزی از زندگی افراد تبدیل شود و همه اینها یعنی لغو کار مزدی. بدون لغو کار مزدی شما نمیتوانید هویت انسانی را به انسان بازگردانید و ریشه موضوع اینجاست. ببینید: ایده آزادی و برابری شاید از زمان اسپارتاکوس بوده است. همیشه آدم، چون آدم است می خواسته زندگی شاد داشته باشد، همیشه از تبعیض برآشفته می شده، همواره علیه تبعیض شورش می شده، همیشه علیه فقر شورش بوده، در تمام تاریخ مکتوب بشریت قضیه همین است. اما امروز شرایطی هست که می شود عملاً و واقعاً این آزادی و برابری را پیاده کرد، متحقق کرد و کلید این در دست طبقه کارگر و در واقع در دست آن نیروی سیاسی است که میخواهد سرمایه را براندازد. لذا هم از نظر سیاسی و هم از نظر اقتصادی باید از طبقه ای که تمام دنیا را به آشوب کشیده و به جانب بربریت میبرد، خلع ید کرد و مضمون انقلاب سوسیالیستی چیزی غیر از این نیست.

شهلا دانشفروز: شما در مورد مضمون اقتصادی انقلاب سوسیالیستی گفتید. اتفاقاً پرسش بعدی من در همین مورد است، چون در صحبت هایتان به خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه حاکمه اشاره کردید. اگر ممکن است در این مورد بیشتر توضیح بدهید؟

حمید تقوائی: خلع ید سیاسی در واقع شکل دیگر این سخن است که بگوییم این حکومت باید سرنگون شود و حکومتی که واقعاً همه مردم را در آن شریک کند، حکومت سوسیالیستی، حکومتی که متکی بر شوراهاست جانشین آن گردد. این همان خلع ید سیاسی است. اما خلع ید "سود" محور اقتصاد باشد و سودآوری باید از اقتصاد حذف گردد. باید منافع و نیازهای انسانی، نیروی محرک و هدف فعالیت اقتصادی جامعه گردد. طبیعی است که طبقه سرمایه دار هیچوقت تن به این نخواهد داد. لذا يك نکته را هم همینجا بگوییم. ممکن نیست شما قبل از خلع ید سیاسی خلع ید اقتصادی کنید. هستند نیروهایی که خودشان را خیلی چپ و رادیکال هم میدانند و تا از انقلاب سوسیالیستی حرف میزنند، میگویند امر ما سرنگونی نیست و خلع ید اقتصادی است و اسم اینرا میگذارند انقلاب اجتماعی و انقلابی که ظاهراً بر سر سرنگونی باشد، انقلاب کارگران نیست بلکه انقلاب سیاسی است یا انقلاب دموکراتیک است و انقلاب اجتماعی کارگران بر سر خلع ید اقتصادی است. این، بنظر من کاملاً اشتباه است. سرنگونی دستور هر انقلابی است. حال کارگری یا غیر کارگری. اگر جامعه در شرایط انقلابی است، یعنی مردم به اینجا رسیده اند که این شرایط دیگر برایشان قابل تحمل نیست و برای تغییر شرایط باید دولت را براندازند، یعنی دست به انقلاب میزنند و انقلاب بنا به تعریف، سرنگونی هدف اولش است. بدون سرنگون کردن حکومت که به هیچ چیز نمیتوان رسید. نه زنان به خواسته شان میرسند، نه جوانان خلاصی فرهنگی پیدا می کنند، نه طبعاً کارگر به حقوقش میرسد و نه هیچ بخش ستمدیده و تحت رنج و محرومیت جامعه. بنابراین این غلط است که فکر کنید انقلاب سوسیالیستی بر سر مثلاً لغو استثمار است و انقلابات دیگر بر سر سرنگونی، چرا که با همین متدولوژی غلط به اینجا میرسند که جنبش سرنگونی يك چیز است و انقلاب سوسیالیستی يك چیز دیگر.

شهلا دانشفروز: با این حساب، رابطه

جنبش سرنگونی با انقلاب سوسیالیستی چیست؟

حمید تقوائی: ببینید انقلاب سوسیالیستی یعنی جنبش سرنگونی تحت رهبری، سازماندهی و افقی که سوسیالیسم نشان می دهد. این افق و آرمان را امروز جامعه دارد "داد" میزند. همچنانکه جرقه ها و بارقه هایش را - حتی بیشتر از بارقه ها - امروز می بینیم در تجمعات. همینکه سرود انترناسیونال میخوانند، همینکه میگویند سوسیالیسم بپا خیز برای رفع تبعیض، میگویند راه رهایی سوسیالیسم است، مینویسند سوسیالیسم یا بربریت، یا پرچم های سرخی که در همین حرکات اخیر دانشجویان پلی تکنیک همه جا دیدید، اینها همه نشانه هایی است که سوسیالیسم و اعتراض سوسیالیستی دارد در جنبش سرنگونی گسترش و نفوذ پیدا میکند. خلع ید سیاسی از طبقه حاکمه و سرمایه دار که اشاره کردم چیزی جز اینها نیست، یعنی جنبش سرنگونی با پرچم انسان، با پرچم آزادی و برابری که الان در جامعه بلند شده است. این خلع ید سیاسی است. در ادامه این روند است که این امکان بوجود می آید که شما طبقه سرمایه دار را از نظر اقتصادی هم کاملاً کنار بزنید. یعنی اصل "کار مزدی"، مالکیت بر ابزار تولید و سود را کنار بزنید و اقتصاد را بر مبنای نیازهای انسانها سازمان دهید. بنابراین اولاً خلع ید سیاسی پیش شرط هر نوع انقلاب اجتماعی - اقتصادی و هر نوع خلع ید اجتماعی - اقتصادی از طبقه بورژوا - سرمایه دار است و ثانیاً خلع ید سیاسی چیزی نیست جز همان جنبش سرنگونی تحت رهبری و همونی سوسیالیستی. موضوع هر انقلابی سرنگونی دولت است، چه انقلابات سوسیالیستی باشد، چه باصطلاح دموکراتیک، چه انقلاب علیه آپارتاید جنسی باشد، چه انقلاب علیه استثمار و استثمار که انواع اش را در آسیا و آفریقا داشته ایم، چه انقلاب برای در هم شکستن فئودالیسم باشد مثل انقلاب چین یا انقلاب برای صنعتی شدن که در کشورهای مختلف پیش آمده است، در همه این انقلابات، سرنگونی در واقع قدم اول است. اگر این نباشد دیگر به آن انقلاب نمی گوئید، می شود يك نوع رفرم. اگر يك حرکت اجتماعی به تغییراتی منجر شود ولی دولت و طبقه حاکمه دست

از صفحه ۲ اساسی انقلاب سوسیالیستی ...

نخورده بماند، دیگر بنا به تعریف انقلاب نیست، شاید بشود یک شورش اجتماعی که به مطالباتی می رسد. وقتی به آن میگوییم انقلاب که حکومتی سرنگون میشود، به همین اعتبار، سرنگونی جزء تعریف انقلاب است و از جمله انقلاب سوسیالیستی. اما فرق انقلاب سوسیالیستی این است که با پرچم آزادی و برابری، با پرچم سوسیالیسم و با پرچم انسانیت حکومت را سرنگون میکند و دقیقاً به همین دلیل عظیم ترین انقلابی است که میتواند اتفاق بیافتد. چون فصل مشترک همه انسانها، انسانیت است، شما زن باشید، سیاه باشید، سفید باشید، هر مذهبی داشته باشید، بالاخره آن چیزی که شما را به حرکت درخواهد آورد هویت انسانی جهانشمولتان است و انقلاب سوسیالیستی هم بر سر این است. اگر بگویید انقلابی مثلاً بر سر دموکراسی است، کسی که فکر میکند باصطلاح شرایط خوب است و آزادی یا دموکراسی آرمانش نباشد، خوب، به حرکت درنمیاید یا اگر بگویید لغو تبعیض جنسی، کسی که تبعیض جنسی را حس نکرده ممکن است به حرکت درنیايد، چون احتمالاً آنرا مستقیماً به خودش مربوط نمی بیند، اگر برگردید به حقوق کودک، مجردان جامعه (با خند) که فرزند ندارند ممکن است خوب حس نکنند. ولی وقتی شما میگویید این دعوا، این مبارزه و این جدال، بر سر اینست که هویت انسانی ما در این جامعه له شده، لگدمال شده و بعنوان انسان احساس راحتی، احساس شادی، احساس برابری و یکسانی با همدیگر نمی کنیم، آنوقت میتوان میلیونها را به حرکت درآورد. مهم نیست که معضل ویژه هر بخش جامعه چیست، هر معضل ویژه ای داشته باشد، بعنوان انسان در دنیای امروز و نه فقط در ایران، در تمام این نظم نوین جهانی که همه جا گرفته است، می بینید انسانها دارند له می شوند و اصلاً انکار میشوند. دیگر حتی لیبرال ترین و باصطلاح چپ های غیر کارگری که در جوامع دیگر هم هستند، وقتی اعتراضی میکنند می بینید از قوم، قبیله، نژاد و مذهب صحبت میکنند. در این شرایط دیگر پرسش این نیست که حقوق انسانی چیست؟! بلکه سؤال این میشود که شما بعنوان یک فرهنگ ویژه، چه حقوقی را می

خواهید. نسبیت فرهنگی اساس اش در همینجاست. وقتی مردم را فرقه فرقه میکنند، بخش بخش میکنند و به هر بخش حقوق ویژه قایل میشوند، این، معنایی جز نفی هویت جهانشمول انسانی مردم ندارد و امروزه وقتی نگاه میکنیم می بینیم انقلاب سوسیالیستی دقیقاً بر سر بازگرداندن همین هویت به انسانهاست و بقول منصور حکمت بر سر بازگرداندن اختیار به انسان است. انسانها را کاملاً در محصوره سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گیر انداخته اند. انسانها گرسنه اند میگویند تورم است، بحران اقتصادی داریم پس رضایت دهید. در همین انگلستان، در آمریکا و در کشورهای صنعتی کلاً يك کارخانه و يك شهر کارگری را کلاً می بندند، جواشان اینست که سودآور نبود! از چین یا ژاپن شکست خوردیم و کارگران را به خیابان می ریزند. این فقط نشان می دهد که انسانها چقدر بی اختیاراند و مثل مورچه زیر این مناسبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سرمایه داری له میشوند. از این زاویه هم که نگاه کنید باز به همین نتیجه می رسید که انقلاب سوسیالیستی بر سر انسان است، بر سر بازگرداندن اختیار به انسانها و تأمین هویت انسان هاست و دقیقاً به همین خاطر يك انقلاب عظیم است. اکثریت قریب به اتفاق جامعه در این انقلاب ذی نفع است و در آن شرکت میکند. فقط سرمایه دار و کسانی که منفعت مستقیم در استثمار دارند مقاومت میکنند و این معنی اش شاید فقط پنج درصد جامعه باشد در هر جامعه ای. چه کارگر، چه کارکن، چه حقوق بگیر و کلاً کسانی که مالکیت بر ابزار تولید نداشته باشند و صاحب کارخانه ای نباشند، به حرکت در می آیند و به نظر من انقلاب سوسیالیستی انقلابی است که بالقوه می تواند توده ای باشد و بخشهایی عظیم از مردم را به حرکت درآورد و به قدرت مردم، به قدرت اکثریت عظیم جامعه، قدرت سیاسی را تصرف کند.

شهلا دانشفروز: بحث مهمی است. اینکه می گوید خلق بد سیاسی مقدم بر خلق بد اقتصادی است، اتفاقاً با نمونه هایی مواجه میشویم حتی در میان جریانهای چپ، بعنوان مثال بطور جداگانه کمیته های لغو کار مزدی در ایران تشکیل

میدهند یا مبارزه همین امروز فقط طبقه کارگر را بنام مبارزه سوسیالیستی نام میریند یا تشکیل تشکل ضد سرمایه داری و افق را در همین مبارزه اقتصادی روز کارگر میگذارند. این به نظرم بنوعی در همین چارچوبی که گفتید قابل بررسی است.

حمید توائی: بله، این ظاهراً يك نوع کارگرزدگی است که خیلی هم میخواهد قیافه رادیکال به خودش بگیرد. ولی وقتی خوب رویش دقیق می شوید، می بینید اتفاقاً کارگر را از عرصه مبارزه سیاسی کنار میگذارند، چنان وانمود میشود که گویا سرمایه داری فقط در کارخانه است یا صحبت از سرمایه داری را فقط میتوانید در کارخانه ببینید. در حالیکه اکثریت قریب به اتفاق مردمی که زیر فشار سنگسار، قصاص و قوانین مذهبی زجر می کشند، مسؤل مستقیم اش، منافع سرمایه است که چنین حکم میکند. دارند چاول میکنند، دارند استثمار با نرخ بی نهایت میکنند. وقتی شما در جامعه ای مثل ایران، حقوق کارگر را نمی دهید، یعنی نرخ استثمار بی نهایت است. صفر به کارگر می دهید و سود میبرید. اینها سودآوری نجومی پشت ضرورت مذهب، قصاص و اعدام است. اعدام میکنند نه به خاطر اینکه يك زمانی يك پیغمبری هزار و چهارصد سال قبل يك آیه ای آورده است. اعدام میکنند برای اینکه جامعه امروز را مرعوب کند و به تمکین بکشاند. چنانکه زیر خط فقر زندگی کند و صدایش در نیاید. این کاملاً دید خرد و سطحی است که فکر کنیم سرمایه داری فقط در کارخانه است و در جامعه نمی بینیم اش و کارگر هم فقط در کارخانه زجر میکشد. گویا بچه کارگر به مدرسه نمی رود که قرآن در گوشش بخوانند و خرافات را یادش دهند. گویا کارگر از این در رنج نیست، گویا زن کارگر از اینکه به عنوان زن، انسان حساب نمیشود، در رنج نیست. همه اینها اشکالات این دید و محدود نگری این دید است، چون سرمایه را فقط به کارخانه محدود میکنند و مبارزه کل طبقه کارگر را نمی بیند که باید کل جامعه را بسیج کند. کل جامعه را باید به حرکت درآورد برای اینکه بتواند از طبقه سرمایه دار خلق بد سیاسی

کند.

شهلا دانشفروز: میخواهم بگویم نداشتن چنین تصویری یکی از موانعی است که این جنبش نمیتواند آن نیرویی را که باید، آزاد کند و آنرا به حرکت بیاندازد،

شما چه فکر میکنید؟ **حمید توائی:** بله، کسی که اینطور نگاه میکند و مثلاً اسم خودش را میگذارد کمیته ضد سرمایه یا کمیته لغو استثمار، متوجه نیست که کارگر وظیفه دارد، کارگر میتواند و باید در تمام عرصه های اعتراضی جلو بیافتد و پرچم خودش را بلند کند و این نیروها را پشت خود قرار دهد. وقتی شما اسم خودتان را میگذارید کمیته ضد استثمار، زن زجر کشیده چطور شما را با خودش مربوط ببیند؟ یا جنبش دفاع از حقوق کودک یا جنبش اقلیت های مذهبی مثل بهایی ها، اصلاً کسانی که بی خدا هستند، حتی همجنسگرایان که میخواهند زندگی کنند ولی اعدام شان میکنند؟ کارگر باید پرچمدار بشریت باشد برای رهایی از دنیای سرمایه و دنیای سرمایه فقط در کارخانه نیست، در فرهنگ اش، در قوانین اش، در سیاست اش نسبت به زن، نسبت به کودک، نسبت به اقلیت های مذهبی و ... همه جا سرمایه وجود دارد و کارگر باید در خطوط جلو این صف حرکت کند. جواب رهایی زن را باید سوسیالیست ها داشته باشند و باید به زنان نشان بدهند که فقط جنبش سوسیالیستی است که واقعاً خواهان برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد است و همینطور جواب نیازهای بخش های مختلف جامعه را. کسی که اینطور سوسیالیسم و مبارزه سیاسی را فقط به کارخانه و مبارزه صرفاً ضد استثمار محدود میکند، اولاً خلق بد اقتصادی را قیل از مبارزه سیاسی قرار میدهد و ثانیاً اینرا نمی بیند که کارگر باید يك نقش اجتماعی بازی کند، بعنوان يك طبقه نه به عنوان يك صنف در کارخانه، بلکه بعنوان يك طبقه ای که پرچمدار و پیشرو صفوف مبارزات حق طلبانه و آزادیخواهانه همه بخش های جامعه باشد. بنظر من هم این يك اشکال اساسی است که بقول شما يك مانع است، يك ضعف است و باید اینرا افشاء کرد، نقد کرد، کنار زد تا این نیروی عظیم طبقه کارگر برای پیروز کردن انقلاب سوسیالیستی آزاد شود...

شهلا دانشفروز: بطور خلاصه بگویید با انقلاب سوسیالیستی چه تحولی در جامعه شکل میگیرد؟

حمید توائی: اولین تحولی که شکل می گیرد همانطور که گفتیم جامعه ای خواهیم داشت که محور تمام سیاست هایش، اقتصادش، فرهنگ اش، هنرش، محور قوانین و مناسبات اجتماعی و حقوقی اش،

انسان و انسانیت است. وقتی می گویم "انسانیت"، باید توجه داشته باشیم که يك به اصطلاح معاون مجهول یا اسم دیگری نیست که میگذاریم، چون مثلاً جنبشی هست که شعارش زنده باد ایران، است. گفته میشود خوب، ایرانی هم انسان است و ادعا میکند که میخواهد از طریق ایرانیت، انسان را آزاد کند. در واقع دغدغه اش، همان اولی است، همان طبقه خودش است که تحت نام ایرانیت پنهان شده، یا جنبش مذهبی و اسلامی که الان حتی در اروچا نفوذ پیدا کرده، در آلمان یا اروپای غربی، يك مفتی، يك آخوند یا يك عمامه به سری پیدا میکنند و میگویند این نماینده مسلمانان مهاجر است! گویا هر کسی که از کشورهای اسلام زده فرار کرده مسلمان است. جامعه سوسیالیستی اینها را کنار میزند. این لقب تراشی ها و هویت تراشی های تصنعی که تمام سودش به جیب سرمایه سرازیر میشود را کنار میزند و رجوع میکند به آن هویت انسانی آدم ها که از کنج آسیا تا آفریقا و تا اروپای غربی انسانها را به هم متحد میکند. آدم ها در تمام دنیا، چون انسان اند از يك چیز شاد میشوند، از يك چیز ناراحت می شوند. اگر این تعصبات و خرافات ملی، مذهبی را کنار بگذاریم، خواهیم دید که انسانها در تمام دنیا سرنوشت مشترک، هدف مشترک، تعریف واحدی از خوشبختی، از رفاه، از آزادی و برابری دارند. جامعه سوسیالیستی بر سر اینهاست و مهمترین تحولش اینست که در تمام سطوح، انسان را محور قرار میدهد. یعنی در اقتصاد سود و سرمایه محور حرکتش نیست، بلکه محور و معیار اینست که نیازهای جامعه به بهترین وجه تولید شود و در اختیار جامعه قرار گیرد. هر کس به اندازه نیازش بتواند از مواهب اقتصادی جامعه بهره مند شود. در فرهنگ، فرهنگ انسانی را رشد می دهد، روشننگری علیه تمام خرافات. فرهنگ جامعه سرمایه داری در همه جای دنیا، به مذهب، به شونیسیم مردسالارانه و ضد زن و به ناسیونالیسم آغشته است. جامعه سوسیالیستی اما فرهنگ انسانی را در همه زمینه ها محور قرار میدهد. در قوانین و روابط قوانین جامعه سوسیالیستی نسبت به جنسیت، مذهب، نژاد و ملیت کور است. هر کسی از جامعه "ایران سوسیالیستی" گذر کند، عضو آن جامعه است. ملیت معنی ندارد و بطریق اولی، مذهب، پوست و نژاد

از صفحه ۱

تئوری جنگ ...

هنگامی آغاز میشود که جنگ مشخصی را تجزیه و تحلیل و موضع میگیرند. برای تدقیق این تئوری باید اضافه کرد همچنانکه برای نیروهای درگیر در جنگ، جنگ ادامه سیاست است، برای کمونیستها و جنبش طبقه کارگر و برای اپوزیسیون راست و چپ رژیم اسلامی هم در پایه ای ترین سطح چنین است. سیاست کمونیستها در قبال هر جنگی با تحلیل و ارزیابی از ویژه گیها، اهداف، و نیروهای درگیر درجنگ مشخص تعیین میشود. استراتژی سیاسی کمونیستها در شرایط جنگی نمیتواند چیزی بجز تعقیب همان استراتژی در شرایط قبل از جنگ باشد.

دست خود داشته باشد. بورژوازی راست پیروز، بعد از شکست بلوک شرق، برای دستیابی و احراز این موقعیت باید قطبهای اقتصادی رقیب را با قدرت نظامی اش متقاعد به قبول زعامت آمریکا کند. زیرا با تحولات عظیمی که در دنیا رخ داده است و سر برآوردن تمرکزهای اقتصادی و قطبهای اقتصادی قدرتمند در جهان، بورژوازی آمریکا نمیتواند فقط با رقابتهای اقتصادی موقعیت برتر خود را حفظ کند. در "فضای باز" پسا جنگ سرد، قطب تروریسم اسلامی وارد میدان مناقشه و رقابت با قدرتهای جهانی شد. فاجعه ۱۱ سپتامبر آغاز قطعی و جدی کشمکش و جنگ این دو قطب بود. به همین دلیل حمله به افغانستان و عراق و اخیراً احتمال حمله به ایران را باید در همین چهار چوب توضیح داد. از این تاریخ به بعد تا تعیین تکلیف این جدال تمام جنگها و کشمکشهای خاورمیانه و حتی رقابتهای و جنگهای آتی ای که هر دو قطب در تارک آن هستند را باید در همین کانتکست دید. بنابر این جدال این دو قطب تا پیروزی یکی و شکست دیگری ادامه دار خواهد بود.

هنگامی که میگوئیم جنگهای خاورمیانه مستقیماً و فقط به خاطر نفت و... در این و آن کشور نیست، اشاره به این واقعیت داریم که اهداف رقابتهای این دو قطب جهانی فراتر از منابع مشخص نفت و گاز و... این و آن کشور درگیر در جنگ است. فاجعه ۱۱ سپتامبر و قربانی شدن انسانهای زیادی در میان رقابتهای دو قطب تروریستی، اگر چه از نظر قطب تروریسم اسلامی ضربه ای به اقتدار آمریکا محسوب میشود، اما تکانی جدی در به تحرك افتادن بورژوازی آمریکا برای اجرای واقعه مانده ای آسمانی برای بورژوازی آمریکا بود. به همین دلیل بورژوازی آمریکا توانست صف طویلی از کشورهای جهان برای لشکر کشی به افغانستان را پشت سر خود بسیج کند. جنگ آشکار و علنی دو قطب تروریسم اسلامی و میلیتاریسم آمریکا و متحدینش با

عملیات تروریستی نیویورک استارت زده شد و در افغانستان و عراق ادامه و پیامدهای آنرا مبینم. احتمال بروز جنگ در ایران هم تنها حلقه دیگری و البته مهمترین و کلیدی ترین حلقه جنگ و رقابت این دو قطب تروریستی است. خارج از اینکه این دو قطب در چه مقطعی سازش و یا مذاکره میکنند و یا در چه مقطعی به جنگ مستقیم باهم میپردازند. خارج از اینکه در صلح بسر میبرند یا آشتی، و یا بخشهای از این دو جبهه مانند عراق در کنار هم حکومت تشکیل میدهند و متحد هم ظاهر میشوند یا مانند جمهوری اسلامی و طالبان و بن لادن با آمریکا و متحدینش علیه همدیگر به رقابت میپردازند، این جدال جدی و ابعادی جهانی دارد. بر خلاف تصویری که از جریانات سیاسی حاشیه ای و بیخبر از دنیا در این جنگ پیروزی و شکست برای هر دو قطب سرنوشت ساز و تعیین کننده است. سرنوشت و تعیین تکلیف جنگ این دو قطب باهم چهره دنیا را تغییر خواهد داد. تبعات سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی مهمی به دنبال خواهد داشت. تا همین حالا بر بستر این رقابتهای و جنگها نه تنها در سیاست که در قوانین و مناسبات دنیا، رابطه مردم و حکومتها، روابط دولتها باهم و رقابتهای جهانی تغییرات مهمی را شاهد هستیم.

بنا بر این اگر جنگ احتمالی ایران و آمریکا را در این چهار چوب ببینیم آن هنگام تاثیرات جایگاه شکست و پیروزی هر کدام را جهانی باید دید. شکست جمهوری اسلامی به معنی سیر رو به افول و شکست اسلام سیاسی بطور کلی خواهد بود. همچنانکه شکست میلیتاریسم آمریکا سیر افول و شکست بورژوازی آمریکا و تبدیل شدنش به قدرتی دست چندم در مقایسه با رقبای جهانی خواهد بود. اگر شکست هر کدام از آنها این تبعات را میتواند داشته باشد، بسیار واضح است که هیچ کدام از این دو قطب در این جدال نمیخواهند شکست را بپذیرند. مقاومت بوش بعد از شکست در عراق و شکست در انتخابات با رقبای خود در آمریکا و لجاجت خامنه ای و احمدی نژاد و... با توجه به همه مشکلات داخلی و بین المللی

که با آن روبرو هستند را در این بستر باید دید. هر دو طرف معنی شکست و جایگاه خود بعد از شکست را خوب میدانند. بر عکس کسانی ساده لوح که فکر میکنند این رهبران جنگ طلب از روی دیوانگی و ندانم کاری وارد این کارزار میشوند، جنگ افزوزان و جنگ طلبان بهتر از هر کسی عواقب و تصویرشکست خود را تشخیص میدهند. منفعتهای مادی و زمینی، آنها را به ادامه این کشمکش و جدال سوق میدهد.

علاوه بر طیفهای مدافع این یا آن جناح کسانی هم هستند که به دنبال "صلح" و یا مصالحه این دو قطب با هم هستند. بر اساس چنین سیاستی تلاش میکنند که تعادلی در میان دو طرف جنگ برقرار شود.

این طیف متوجه این واقعیت نیستند که اگر چه مصالحه و حفظ تعادلی هم ممکن باشد کاملاً ناپایدار و موقتی خواهد بود. اما آنچه در این سیاست جایگاهی ندارد مردم و نقش نیروهای مخالف هر دو قطب است. این درست است که ما تجربه بلوک شرق و غرب را داریم که سالهای سال تعادلی در میانشان ایجاد شد و جنگشان را جنگ سرد نامیدند. اما نباید این واقعیت را نادیده بگیریم که قدرت و توان بلوک شرق برای تحمیل يك معادله نسبتاً پایدار در مقابل بلوک غرب غیرقابل مقایسه با جایگاه سیاسی اجتماعی و توان نظامی قطب تروریسم اسلامی بود. آن هنگام هر دو بلوک تعادل رقابتهایشان بر فاکتورهای جدی و با تاثیرات جهانی متکی بود. جنگ ستارگان و نقش تکنولوژی و قدرت نظامی و بمب اتم و جایگاه اجتماعی ایدئولوژی و آلترناتیوی که هر کدام از آنها نمایندگی میکردند قابل مقایسه با فاکتورهای فعلاً موجود قطبهای فعلی و بویژه قطب اسلام سیاسی نیست.

اکنون حتی اگر تعادلی هم برقرار شود بسیار ناپایدار و شکننده است. زیرا ستونهای تعادل رقابت این دو قطب تروریستی امروز بسیار نامتناسب و به ضرر اسلام سیاسی است. به همین دلیل تروریسم اسلامی عملیات انتحاری و تروریسم بین المللی را در پیش گرفته است که بتواند تعادلی را به رقیبش تحمیل کند. اما با این وجود در پس این

کشمکش و جنگ، هر دو قطب به دنبال ایجاد نظم مورد نظر خود در دنیا هستند.

اگر بپذیریم که جدال دولت آمریکا و جمهوری اسلامی در چنین فضایی در جریان است، آن هنگام واضح است که بالا گرفتن و کاهش جدال آنها در مقاطع کوناگون ما را با تحلیلهای متناقض روبرو نخواهد کرد. عدم چنین تبیین و تزهایی که در بالا مختصراً به آنها پرداختیم اپوزیسیون جمهوری اسلامی را هر از چند گاهی با بالا و پایین رفتن جدال این دو قطب، دچار سرگیجه و تحلیلها و تاکتیک های متناقض کرده است. علاوه بر این اکثریت قریب به اتفاق جریانات سیاسی اپوزیسیون يك فاکتور مهم و تعیین کننده دیگر که میتواند به هر دو قطب طرفین این جدال افسار بزند را نادیده میگیرند و یا جایگاه جدی برای آن قائل نیستند.

در دنیایی که دو قطب تروریستی مورد بحث برای تسلط بر آن در جنگ و جدال بسر میبرند، قطب سوم و یا جبهه سوم وجود دارد که میتواند نقشه های این دو قطب را خنثی کند. صدای سومی که مورد بحث من است میتواند بازی شطرنجی که برای برد و باخت دو طرف این جدال چیده شده است را بهم بریزد و قاعده بازی را طور دیگری تعریف کند. واقعیت این است اگر جبهه مردم آرایخواه در دنیا، جبهه کارگران و مردم ستم دیده و معترض به جمهوری اسلامی در ایران وارد این تحلیل نشوند راهی گریز ناپذیر در مقابل اپوزیسیون قرار میگیرد و ناچاراً مستقیم و غیر مستقیم در کنار یکی از این دو قطب تروریستی قرار خواهند گرفت.

جایگاه جبهه سوم در جهان، نقش جنبشهای انقلابی و در راس آنها طبقه کارگر در ایران برای ممانعت از جنگ، دلیل مخالفت ما کمونیستها با جنگ و تحریم اقتصادی، نقش و جایگاه جریانات سیاسی در متن جنبشهای ملی اسلامی و ناسیونالیسم پرو غرب، وزن و جایگاه جریانات حاشیه ای قومپرست و جایگاه سیاسی چه فرقه ای و سرگردان و... بحثی است که در بخش بعدی به آن خواهیم پرداخت.*

در این برنامه شرکت کردید.

شهادتنامه: بحث مهم و جالبی است. امیدوارم در آینده بتوانیم آنرا بیشتر پی بگیریم. متشکرم/از اینکه

حمید توانی: خواهش میکنم.*

است که اختیار را به انسان باز میگرداند و دفاع از حرمت، رفا، آزادی و برابری انسانی، محور و موتور تحرك آن جامعه خواهد بود...

از صفحه ۳ اساسی انقلاب سوسیالیستی ...

تحول پایه ای و کیفی داده میشود. جامعه سوسیالیستی، جامعه ای

هم معنا ندارد. همه اینها بنظر من نشان میدهد که در اداره جامعه يك

کارگران کشت و صنعت کارون دست به راهپیمائی در محوطه شرکت زدند

کارگری در سراسر کشور و از همه مردم زحمتکش و آزادیخواه منطقه میخواهد که از مبارزه حق طلبانه کارگران کشت و صنعت کارون قاطعانه پشتیبانی کنند.

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ آبانماه ۱۳۸۶

۱۲ نوامبر ۲۰۰۷

به اعتصاب خود ادامه دادند. کارگران میگویند به هیچ وعده و وعیدی اعتماد ندارند و تا دریافت تمامی دستمزدهای معوقه به اعتصاب ادامه میدهند.

حزب کمونیست کارگری از اعتصاب کارگران کشت و صنعت کارون شوشتر با تمام قوا حمایت میکند. حزب، کارگران کشت و صنعت را به برپائی هرروزه مجمع عمومی بعنوان مهمترین ظرف تصمیم گیری جمعی و مهمترین ظرف اتحاد و اعتراض کارگران فرامیخواند. حزب از کارگران مراکز

اعتراض درمورد این حرکت شده و گفته است: "پرداخت نشدن حقوق کارگران کشت و صنعت کارون مشکلات بسیاری را به همراه داشته و موجب تحصن کارگران در کارخانه شده است. در حال حاضر کارگران دو ماه است که حقوق نگرفته اند و کاری غیر از تحصن ندارند. نماینده آنها برای رفع مشکلات به تهران رفته و امیدواریم مشکانشان برطرف شود." امروز ایادی رژیم شایع کردند که تا آخر هفته دستمزدهای معوقه پرداخت میشود اما کارگران به این شایعات واقعی نگذاشتند و مصمانه

فاصله دارد. در طول راه کارگران قسمت برق و سایر بخشها به راهپیمائی پیوستند و با این ابتکار، حرکت یکپارچه و باشکوهی شکل گرفت.

طبق خبر، اعتصاب کارگران کشت و صنعت انعکاس وسیعی در میان مردم شهرهای دزفول و شوشتر و مراکز مختلف کارگری در این شهرها داشته و با استقبال مردم مواجه شده است. انعکاس اعتصاب چنان وسیع بوده است که تلفری سرپرست فرمانداری شوشتر نیز در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا ناچار به

اعتصاب کارگران انعکاس وسیعی در شهرهای دزفول و شوشتر داشته است

بنا به خبر رسیده به حزب کمونیست کارگری، کارگران اعتصابی کشت و صنعت کارون شوشتر از ساعات اولیه صبح امروز دوشنبه ۲۱ آبانماه، یعنی دومین روز اعتصاب، دست به راهپیمائی در محوطه شرکت زده و جلوی دفتر مرکزی و حسابداری شرکت گرد هم آمدند. بخش تجهیزات مکانیکی که محل شروع راهپیمائی کارگران است حدود یک کیلومتر تا دفتر شرکت

از صفحه ۱ ۱۲۰۰۰ کارگر کشت و صنعت ...

مسئولین شرکت داشتند که همگی بی نتیجه بود. جواب آنها این بود که پول نداریم. پاسخ کارگران نیز دست زدن به اعتصاب بود.

لازم به یادآوری است که کارگران کشت و صنعت در اوائل مهرماه با تهدید به اعتصاب موفق شدند دولت و کارفرما را وادار به عقب نشینی کرده و دستمزد مرداد ماه را از حلقومشان بیرون بکشند.

حزب کمونیست کارگری از اعتصاب کارگران کشت و صنعت کارون شوشتر با تمام قوا حمایت میکند. حزب، کارگران کشت و صنعت را به برپائی هرروزه مجمع عمومی بعنوان مهمترین ظرف تصمیم گیری جمعی و مهمترین ظرف اتحاد و اعتراض کارگران فرامیخواند. حزب همچنین از مراکز کارگری در سراسر کشور و از همه مردم زحمتکش و آزادیخواه منطقه بویژه مردم شوشتر، دزفول و گتوند میخواهد که از مبارزه حق طلبانه کارگران کشت و صنعت کارون قاطعانه پشتیبانی کنند و با آنها اعلام همبستگی کنند.

زنده باد اتحاد و همبستگی

طبقاتی کارگران

آزادی، برابری، حکومت کارگری

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

کمونیست کارگری ایران

۲۱ آبانماه ۱۳۸۶، ۱۲ نوامبر ۲۰۰۷

های مختلف شرکت منجمله کارگران تجهیزات مکانیکی، برق و کارخانه شرکت دارند. کارگران شیفت عصر و شب نیز به اعتصاب پیوستند و بدین ترتیب ۱۲۰۰۰ کارگر کشت و صنعت اعتصاب متحدانه خود را از روز یکشنبه شروع کردند و امروز وارد دومین روز اعتصاب شدند.

کاظمین مدیر عامل شرکت در جمع کارگران حاضر شد تا طبق معمول وعده و وعید بدهد و کارگران را از اعتصاب منصرف کند. او اظهار داشت که در تلاش است تا حقوق کارگران را تهیه کند و در صورتیکه نتواند دستمزدهای معوقه را بپردازد از مقام خود استعفا خواهد کرد. کارگران معترض سخنان او را قطع کردند و اعلام کردند که این وعده ها را بارها شنیده اند و برای احقاق حقوق خود راهی جز اعتصاب ندارند. این اولین بار نیست که مقامات و مدیران در مقابل کارگران به عجز و لایه می افتند و وعده میدهند اما دوره فریب خوردن کارگران به سر آمده است. تلاش چند نفر لباس شخصی که ملتسمانه از کارگران خواستند به سر کار باز کردند هم بجائی نرسید.

همزمان با شروع اعتصاب تعدادی از کارگران راهی تهران شدند تا با دولت و بانک کشاورزی مذاکره کنند. طی ماه گذشته نیز کارگران مذاکرات متعددی با فرمانداری شوشتر، استانداری خوزستان و

محمد حیدری مصر کارگر زندانی نیشکر هفت تپه با وثیقه آزاد شد

اعتصاب است. این توطئه ها را باید در همه حرکت های اعتراضی، با هوشیاری و با قاطعیت در هم شکست.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۲ آبان ۱۳۸۶ - ۱۳ نوامبر ۲۰۰۷

توضیح انترناسیونال: در این اطلاعیه خبر داده شده است که قربان علیپور هم قرار است روز چهارشنبه آزاد شود. اطلاع پیدا کردیم که قربان علی پور هم با قید وثیقه آزاد شده است.

دانشجویان دربند و دستگیری های بعد از آن گسترش یافته است. تظاهرات دانشجویان در اصفهان جلوه دیگری از تلاش دانشجویان برای برپایی يك صف اعتراض سراسری، چپ و رادیکال در مقابل رژیم هار و به بن بست رسیده اسلامی است. سازمان جوانان کمونیست از اعتراض دانشجویان اصفهان قویا پشتیبانی میکند و دانشجویان سراسر کشور را فرا میخواند تا برای آزادی زندانیان سیاسی و بویژه دانشجویان زندانی به میدان بیایند.

میلیون تومان کاهش داد و با گذاشتن وثیقه امروز محمد حیدری مصر آزاد شد.

حزب کمونیست کارگری همه کارگران، معلمان، دانشجویان و سایر مردم حق طلب و آزادیخواه را فرامیخواند که زیر بار وثیقه و ضمانت برای آزادی همکاران و همسنگران خود نروند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط آنها و کلیه زندانیان سیاسی شوند. قبول وثیقه یعنی قبول جرم. وثیقه مقدمه محکومیت زندانی است. سپردن وثیقه و ضمانت مقدمه به بند کشیدن بیشتر و محکومیت های بعدی است. مقدمه شکست اعتراض و

امروز ۲۲ آبان حدود ساعت سه عصر محمد حیدری مصر کارگر زندانی نیشکر هفت تپه با وثیقه ۱۰ میلیون تومانی آزاد شد. قول آزادی قربان علیپور نیز برای فردا چهارشنبه با همین مقدار وثیقه داده شده است. قبلا به اطلاع رسانده بودیم که جمهوری اسلامی برای آزادی این دو کارگر زندانی، وثیقه ۵۰ میلیون تومانی صادر کرده بود اما کارگران زیر بار نرفتند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط رفقای خود شدند. کارگران همچنین اعلام کرده بودند که اگر رفقایشان تا دو سه روز آینده آزاد نشوند مجددا اعتصاب را شروع خواهند کرد. وزارت اطلاعات وثیقه را از ۵۰ میلیون تومان به ۱۰

از صفحه ۱ آزادی، برابری، هویت انسانی

وسیعا در محیط دانشگاه و خوابگاهها پخش شده بود. در این بیانیه دانشجویان به جوانب گوناگون سرکوب و اختناق از جمله جداسازی های جنسی، کمیته های انضباطی، دستگیری دانشجویان اعتراض کردند. متن این بیانیه در ادامه آمده است.

حرکت اخیر دانشجویان اصفهان را باید در ادامه اعتراضات اخیر در دانشگاه های تهران، شاهرود و مراکز دیگر دانست. این اعتراضات با احکام حکومت اسلامی علیه

اصفهان در اعتراض به دستگیری های اخیر دانشجویان و فضای اختناق در دانشگاه های کشور دست به تظاهرات در محیط دانشگاه زدند. دانشجویان در حالی که فریاد میزدند "آزادی، برابری، هویت انسانی" خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی و از جمله دانشجویان زندانی شدند و علیه فضای خفقان و سرکوب شعار دادند. دانشجویان در مسیر تظاهرات خود در محل "سه راه زبان" در مرکز دانشگاه اصفهان به قرائت بیانیه ای پرداختند که شب گذشته

از صفحه ۱ گامی جدید، تأکیدی مجدد...

پیدا کرده است را وارد مرحله جدیدی کرده است.

دوازده هزار کارگر کشت و صنعت کارون روز ۲۰ آبان در اعتراض به دو ماه دستمزد پرداخت نشده خود دست به اعتصاب نامحدودی زدند. شنیدن این خبر در وهله اول ابعاد مهم این اتفاق را در مقابل ما قرار میدهد. چون دوازده هزار کارگر، با خانواده هایشان جمعیتی وسیع را در بر میگیرد و خود این مساله اعتراض آنان را به يك مساله اجتماعی در محل تبدیل میکند. و میبینیم که چگونه مردم در موردش صحبت میکنند و با حساسیت لحظاتش را دنبال میکنند. بویژه این اعتصاب در مکانی همجوار نیشکر هفت تپه اتفاق می افتد. مکانی که نزدیک يك ماه است که کارگران در آنجا درگیر اعتراض و مبارزه هستند. همین دو حرکت یعنی مبارزه کارگران کشت و صنعت کارون و نیشکر هفت تپه، بیش از هر چیز نشانگر اینست که دیگر کارگران اجازه نمیدهند دستمزدها را چند ماه چند ماه به تعویق بیندازند و اگر چنین شود با اعتصابات قدرتمند خود در برابر می ایستند. این اتفاقات بطور واقعی مبارزه برای نقد کردن دستمزدهای پرداخت نشده را که يك معضل هر روزه کارگران در سطح سراسری در ایران است را گامی بزرگ به جلو برده است. از جمله در اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه دیدیم که کارگران اعلام داشتند که باید دستمزدها هر ماه در روز موعد پرداخت شود و اگر به تعویق افتد فوراً دست به اعتصاب خواهند زد. کارگران نیشکر هفت تپه موفق شدند دستمزد پرداخت نشده خود را بگیرند و کارگران کشت و صنعت کارون برای نقد کردن مطالبات خود دست به اعتصابی نامحدود زده اند. بدین ترتیب اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه و کشت و صنعت کارون، کارگران در دیگر مراکز کارگری را نیز در موقعیت بسیار بهتری قرار میدهد که با اتکا به آنها قدرتمند و متحد جلو بیایند و اجازه ندهند که عبارت دیگر این اتفاقی است که میتواند در عسولیه و مجتمع های پتروشویی و بسیاری از نساجی ها و کارخانجات دیگر روی دهد و بدین ترتیب ما شاهد شکل گیری يك اعتراض سراسری و گسترده برای نقد کردن دستمزدهای پرداخت نشده باشیم.

۲- تأکیدی مجدد بر تشکیل مجامع عمومی کارگری

اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و اکنون دوازده هزار کارگر کشت و صنعت کارون اگر چه از خواست پرداخت فوری دستمزدهای معوقه شروع شده است، اما به میدان آمدن چنین نیروی بزرگی مبارزه کارگران را بسیار فراتر از این خواست میبرد. موفقیت در این مبارزات کارگران را بدون شك در موقعیت بهتری برای پیگیری دیگر خواستههایشان قرار میدهد. از جمله یازده روز اعتصاب با شکوه کارگران نیشکر هفت تپه و تحمیل پرداخت دستمزدهای معوقه شان دقیقاً صحت این را نشان میدهد. مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه نه تنها در میان کارگران بلکه در فضای کل جامعه تاثیر خود را گذاشت و توجه کل جامعه را به خود جلب کرد. بطوریکه ما شاهد حمایت های وسیعی از این مبارزات از مراکز مختلف کارگری بودیم و يك شعار دانشجویان در اعتراضاتشان حمایت از آنها بود. حتی زندانیان سیاسی از درون زندان از این اعتراضات اعلام حمایت کردند. کارگران نیشکر هفت تپه با خواست دستمزدهای معوقه خود دست به اعتراض زدند و امروز پس از کسب موفقیت هایی، مصممند که تشکل خود را ایجاد کنند. کارگران نیشکر هفت تپه اعلام داشتند که خواهان تشکیل سندیکا هستند و در مقابل اما و اگر های دولت و گذاشتن شرط جمع کردن ۵۰۰ امضا، بیش از ۲۵۰۰ امضا به اداره کار شوش تحویل دادند و الان پروسه عملی ایجاد تشکل خود را طی میکنند. جالب اینجاست که این کارگران در حرکت اعتراضی خود اعلام داشتند که شورای اسلامی را مانع مبارزات خود میدانند و عملاً آنرا از سر راه خود کنار زدند. و همچنین تاکید کردند برای اینکه تشکل آنها محلی باشد که خودشان بتوانند در مورد شرایط کار و زندگی شان تصمیم بگیرند، هر هفته جمع شده و مجمع عمومی خود را تشکیل میدهند. و با این کار در واقع گامی عملی برای ایجاد تشکل کارگری به ابتکار خود کارگران را برداشتند و این خود يك پیشروی بزرگ در جنبش کارگری بود. بدنبال این تجربه امروز بهترین فرصت برای کارگران کشت و صنعت کارون است که همچون کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کنند که هفته ای يك بار و در فواصلی

کوتاه و معین بصورت منظم جمع خواهند شد و مجمع عمومی خود را تشکیل خواهند داد تا بتوانند بصورت متحد و متشکل در مورد شرایط کارشان تصمیم بگیرند و خواستهها و مطالباتشان را متحقق سازند. تنها با اتکا به چنین ابزاری است که کارگران میتوانند قدرتمند و متحد به جلو گام بردارند و خواستههایشان را به کرسی بنشانند. برپایی منظم مجامع عمومی کارگری بعنوان محلی برای متحد شدن و تصمیم گیری کارگران يك گام مهم برای پیشروی قدرتمند جنبش کارگری است، باید این ابزار را بدست گرفت.

۳- تجربه ای جالب

از کارگران نساجی شاهر در سندج کارخانه شاهر به لحاظ سنت های مبارزاتی یکی از مراکز مهم کارگری در ایران است که در طول اعتراضات چند ساله اخیر خود گامهای بزرگی به جلو برداشته و نقش مهمی در جنبش کارگری در ایران داشته اند. تعداد کارگران شاهر محدود است، اما قدرت این کارگران با اتکا به مجمع عمومی به عنوان مرجع تصمیم گیری، اتحاد و همبستگی بالایی در میان آنها بوجود آورده است. نقطه قوت دیگر کارگران شاهر خبرسانی در سطح شهر و در سطح جامعه است. کارگران شاهر با این کار خود توانسته اند همواره حمایت و پشتیبانی بسیاری از سوی دیگر کارگران و مردم شهر سندج از مبارزات خود جلب کنند. مبارزات کارگران شاهر تا همین جا الگوهای خوبی از اعتراض و مبارزه را در مقابل طبقه کارگر قرار داده است. در يك کلام وقتی به مبارزات این کارگران نگاه میکنیم می بینیم که چگونه با اتکا به مجمع عمومی توانسته اند در مقابل توطئه های کارفرما و دولت بایستند، رهبران و نمایندگان خود را مورد حمایت قرار دهند، با صدور قطعنامه های روشن و شفاف خواستههای خود را بیان کنند و حول آن متحد شوند و با مطلع کردن کل جامعه صدای اعتراض خود را وسیعاً به گوش مردم و به سطح جهانی انعکاس دهند. يك نمونه جالب از این اعتراضات ایستادن کارگران شاهر در مقابل فشار کارفرما به نمایندگان آنها مبنی بر تحریک کارگران به اعتصاب در مقابل بخشنامه اخیر شرکت مبنی بر افزایش ساعت کار بمدت ۹ ساعت در روز بود. چرا که کارگران در اعتراض خود به این بخشنامه توانستند اداره کار سندج را وادار کنند که به نفع آنها رای

دهد و کارفرما ملزم گردد که يك روز حقوق کارگران را که در ماه قبل به دلیل اعتصاب آنها در مقابل این بخشنامه کسر کرده بود، به آنان بازگرداند. بعد از این موفقیت هنگامیکه کارگران دیدند که کارفرما نمایندگان آنان را تحت فشار قرار داده است، روز ۲۰ آبان مجمع عمومی تشکیل دادند و یکصد و متحد خالد سواری، هادی احمدی، فریدون پاییزی و رمضان حبیبی را به عنوان نمایندگان خود انتخاب کردند.

واقعیت اینست که با این پیشروی ها امروز کارگران شاهر در يك قدمی تشکیل شورای واقعی خود هستند. و این قدم مهم تشکیل منظم مجمع عمومی است. باید این گام را برداشت.

۴- شیوه ای فرسایشی برای عقب راندن اعتراضات کارگری: آزادی به شرط سپردن وثیقه و تشکیل پرونده برای فعالین کارگری

مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه تا همین جا دستاوردهای بسیاری داشته است و به موضوع داغی در میان کارگران تبدیل شده است. در تقابل با اتحاد کارگران، در تقابل با خیز برداشتن آنها برای ایجاد تشکل خود، و در تقابل با تاثیرات یازده روز اعتصاب باشکوه این کارگران در فضای جنبش اعتراضی کارگری و در جامعه، رژیم اسلامی دو تن از رهبران این کارگران را دستگیر و زندانی کرد. قربان علیپور و محمد حیدری مصر دستگیر شدند. به محض دستگیری آنها، کارگران اعلام کردند که اگر همکارانشان از زندان آزاد نشوند، دست به اعتصاب خواهند زد. برای آزادی این دو کارگر از بازداشت ۵۰ میلیون وثیقه تعیین شد. کارگران ابتدا در مقابل آن ایستادند. روز ۲۲ آبان محمد حیدری مصر در قبال ۱۰ میلیون وثیقه آزاد شد و اکنون قول آزادی قربان علیپور در مقابل همین مقدار وثیقه را داده اند. با وجودیکه قول داده شده بود وی را در چهارشنبه ۲۳ آبان آزاد میکنند ولی خبری نشد. اکنون کارگران در تدارک اعتراض به این موضوع هستند.

نکته مهم در قبال این فشارها اتحاد کارگران است. کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که اگر فوراً قربان علیپور آزاد نشود دست به اعتصاب خواهند زد. وعده دادن، آزادی به قید وثیقه و تشکیل پرونده برای کارگر همه و همه يك پروسه فرسایشی برای عقب راندن

اعتراضات کارگری است. کارگر را به قید وثیقه آزاد میکنند، برایش پرونده تشکیل میدهند و پروسه ای از احضار به دادگاه و بازجویی به جریان می افتد و با این کار رژیم تلاش میکنند، رهبران کارگری را زیر فشار و تهدید دائمی دستگیری و زندان قرار دهد و فضای رعب و وحشت را در میان کارگران ایجاد کند. باید در مقابل این توطئه ایستاد. قبول وثیقه بطور واقعی یعنی قبول جرمی است که کارگر یا معلم و یا دانشجوئی به آن متهم شده است. نباید به آن تن داد.

تنها راه مقابله با دستگیری رهبران کارگری اعتراض متحد کارگران است. کارگران نیشکر هفت تپه تنها با اعتصاب قدرتمند خود موفق خواهند شد که قربان حیدری مصر را از زندان آزاد کنند. بلکه مانع ادامه این تعرضات به رهبران و فعالین کارگری خواهند شد. کارگر جرمی نکرده است که زندانی شود و بعد از آنهم با قید وثیقه از زندان آزاد شود. باید دستگیری هر کارگری با عکس العمل سریع و اعتراض شدید ما روبرو شود. باید خواهان لغو فوری تمامی پرونده هایی که به جرم شرکت در مبارزات، برای کارگران، معلمان، دانشجویان و فعالین اعتراضی در بخش های مختلف جامعه تشکیل شده است، بشویم. باید در برابر احکام زندان و شلاق و تبعید و غیره ایستاد. باید با مبارزات گسترده خود آنچنان فشاری بیاوریم که رژیم ناگزیر شود فوراً و بدون قید و شرط کارگران زندانی را از زندان آزاد کند و جرات نکند، رهبران کارگری را مورد تهدید و فشار قرار دهد. در مورد کارگران نیشکر هفت تپه نیز همه مساله اینست که نباید به رژیم فرصت داد. قربان علیپور باید فوراً از زندان آزاد شود. رژیم سعی میکند آزادی او را به تعویق اندازد، کارگران را در مبارزه برای آزادی وی سر بدهاند و با اینکار برای خود زمان بخرد و مانع ایجاد تشکل کارگران و متفرق کردن صفوفشان شود. باید این توطئه را خنثی کرد. همچنین اکنون که در کوران اعتراض کارگران کشت و صنعت کارون قرار داریم، بدون شك رژیم تلاش میکند، قبل از هر چیز رهبران این حرکت اعتراضی را مورد تهدید و فشار قرار دهد. مجمع عمومی کارگری و حفظ اتحاد کارگران از طریق این مجامع تنها راه مقابله با هرگونه تهدید و فشار بر رهبران کارگری است. باید در مقابل چنین فشارهایی هوشیار بود. *